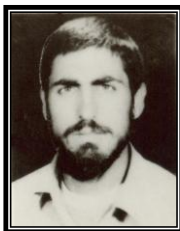


گذری بر زندگی سردار شهید **احمد کبیری سامانی** :



تولد: بهمن ۱۳۳۴

شهادت: ۲ فروردین ۱۳۶۱

در بهمن ماه ۱۳۳۴ در یکی از شهرهای استان چهارمحال بختیاری به نام سامان و در خانواده ای متدین و مستضعف دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی با علاقه ای خاص وارد دبستان دهقان سامانی شد. دوره تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت به پایان رساند و خود را برای دبیرستان آماده می کرد که در مهرماه ۱۳۵۱ مادرش را از دست داد، این حادثه اثری عمیق بر او نهاد. روزها به سرعت می گذشت و شهید سه سال پایان تحصیل خود را در تهران گذرانید. در تابستان ها برای فراهم نمودن کمک هزینه تحصیلی در رشته برق کاری به کار می پرداخت. وقتی انقلاب پرشکوه اسلامی به رهبری خمینی بت شکن در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید ، احمد بی درنگ به صف مبارزان پیوست. او در این دوران سهم به سزایی ایفا نمود. با باز شدن مدارس تظاهرات و اعتصابات شدت می گرفت و او تمام اوقاتش را در فعالیت بر علیه رژیم به سر می برد . در شب حمله به نیروی هوایی از طرف مزدوران گارد شاهنشاهی، به کمک برادران نیروی هوایی شتافت و در درگیری های ۲۲ بهمن نقش مهمی به عهده داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی تحصیلات خود را ادامه و در رشته اقتصاد دیپلم گرفت. با اخذ دیپلم به سامان بازگشته و با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عضویت سپاه درآمد و با گذراندن دوره های مختلف آموزشی در تهران در واحد آموزش سپاه خدمت خود را شروع نمود .

احمد کبیری، از تبار هاییل، ابراهیم(ع)، موسی(ع) و محمد(ص) و حسین(ع) بود و حسین گونه در کربلای ایران زمین در عاشورای دوم فروردین ۱۳۶۱ لیک گویان به دیار حسین شتافت و در حمله فتح المبین بلندترین قله انسانیت را پیموده و شربت گوارای شهادت را نوشید.

وصیتنامه:

بسم الله الرحمن الرحيم

انی وجہت وجہی للذی فطر السموات والارض حنیفاً و ما انا من المشرکین. سوره انعام آیه ۷۸

من با ایمان خالص روی به سوی خدائی آوردم که آفریننده آسمانها و زمین است و من هرگز با (عقیده جاهلانه) مشرکان موافق نخواهم بود.

سپاس و ستایش خداوندی را که آسمانها و زمین را آفرید. سپاس و ستایش خدایی را که تمام موجودات عالم و همه ی انسانها را آفرید و برای راهنمایی انسان و هدایت او به راه راست پیامبران را فرستاد. سپاس خدا را که همه ی ما را مسلمان قرار داد و در این برهه از زمان این چنین رهبری و انقلابی نصیبمان کرد. و این همه نعمت فراوان بر ما ارزانی داشت.

خدایا مرا ببخش و عفو کن که نتوانستم بنده صالحی باشم و شکر این همه نعمت فراوان را به جا آورم و انسان باشم. از تو خواهانم مرا عفو کنی و از عذاب آخرت نجاتم دهی. خدایا می دانم لیاقت و شایستگی شهادت را ندارم اما از تو می خواهم این مقام عظیم و بزرگ را نصیب من کنی.

حدود یکسال و چندماه است که دست ابرقدرتها به ویژه امریکای جنایتکار از آستین صدام کافر بیرون آمده و همگی به اسلام عزیز و انقلاب اسلامی حمله کرده و می خواهند این انقلاب را نابود کنند. زیرا آن را بزرگترین خطر برای خود می بینند. بر همه مسلمین و به خصوص ملت مسلمان ایران است که کمک کنند و جلو این قدرتها بایستند. امروز همه ما مسئولیتی بس سنگین داریم. مسئولیت شناخت صحیح و درست اسلام و حفظ و گسترش آن در جهان و مقاومت سرسختانه در مقابل ابرقدرتها و وابسته های آنان.

همه ملت باید این حسین زمان، امام امت، خمینی بت شکن را یاری کنند. تا انشاءالله زمینه حکومت حضرت مهدی (عج) را فراهم آورند. از ملت مسلمان می خواهم همیشه وحدت و انسجام خود را نگهدارند و با قدرت و توکل بر خداوند یکتا، به پیش روند. از هیچ قدرتی جز خداوند نترسند. فقط اسلام را عمل کنند، اسلام امانتی است و به دست ما سپرده شده. باید آن را بشناسیم و به دیگران نیز بشناسانیم. امروز صدور انقلاب جز گسترش و شناساندن اسلام چیز دیگری نیست، امام امت که این همه تأکید دارند انقلاب صادر شود این است که اسلام در سراسر عالم شناسانده شود. و همه با برنامه های انسان ساز اسلام آشنا شوند. زیرا اسلام همه چیز دارد. و خداوند آن را کامل کرده تا انسانها با عمل به آن، به هدف واقعی که همان خداست برسند.

همچنین از ملت مسلمان می خواهم به روحانیت احترام بگذارند و مثل همیشه آنان را یاری کنند. زیرا اگر روحانیون نبودند اسلام تا این اندازه پیشرفت نکرده بود و ما هنوز به این انقلاب نرسیده بودیم. و دولت و مجلس شورای

اسلامی و ارگان‌های انقلابی و همه قوای نظامی را کمک کنند و پشتیبانی کنند. از پدر عزیزم می‌خواهم که مرا ببخشد. چون فرزند لایق برای وی نبودم. و حق فرزندی را به جا نیاوردم. پدرجان فقط به فرمان امام عزیز فرمانده کل قوا و این رهبر شکست‌ناپذیر و بیداردل می‌جنگم. فرمان او فرمان امام زمان (عج)، فرمان رسول خدا و فرمان خداوند است. همه ی این رزمندگان از پیر و جوان و نوجوان به فرمان او به جبهه می‌آیند. و به عشق خدا و شهیدشدن خود را در این همه مشکلات و دشواریها می‌اندازند. پدر از شما می‌خواهم بعد از کشته‌شدنم برایم گریه نکنید. زیرا دشمن شاد می‌شود. و برای اسلام و انقلاب اسلامی تا آنجائی که می‌توانید تلاش کنید. از برادر عزیزم نیز می‌خواهم در سپاه با استقامت و پایداری؛ تلاش کنند. برادر جان از تو التماس دعا دارم و انشاءالله اگر در مورد تو خطایی کرده‌ام ببخشید.

از همه برادران پاسدار، این جان برکفان عزیز و رهروان حسینی نیز می‌خواهم همانطور که امام فرمودند؛ قدر خود را بدانند و واقعاً از اسلام و مسلمین پاسداری کنند. قدرت‌های شیطانی، پاسداران را دشمن بزرگ می‌دانند و محرومان و ستمدیدگان و مستضعفین به سپاه و ملت ایران چشم امید دوخته‌اند، تا آن را از یوغ استعمار و استثمار و بردگی بیرون آورند. همه پیروز و موفق و موید باشید. از برادر عزیزم می‌خواهم مقدار پولی را که همراه دارم به حساب جنگ‌زدگان بگذارد و همین‌طور یک دستگاه رادیو ضبط است که آن را به هر جا صلاح دیدند بدهند خدا گناهان همه را ببخشد و حاجات و آرزوهای همه را برآورده کند.

برادران و دوستان عزیز خدا نگهدار شما

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد... (شادی ارواح طیبه امام و شهداء صلوات)

روابط عمومی و تبلیغات حوزه مقاومت بسیج دانش‌آموزی شهید آوینی منطقه سامان